

ماهنامه

مردم ارکان مرکزی حزب توده ایران

در تاریخ ۱۴ نوامبر ۱۹۶۶ در صوفیه کنگره نهم حزب کمونیست بلغارستان افتتاح یافت و پس از استماع گزارش مفصل رفیق ژوکوف، دبیر اول حزب و گزارش کمیسیون تقشیش و اجرای انتخابات ارگانهای حزبی در تاریخ ۱۹ نوامبر پایان پذیرفت.

کنگره نهم حزب کمونیست بلغارستان

در این کنگره ۷۳ هیئت نمایندگی از طرف احزاب کمونیستی و کارگری بعنوان مهمان شرکت داشتند و موفقیت‌های بزرگ حزب کمونیست بلغارستان را تبریک گفتند و شش حزب برادر نیز که نتوانسته بودند بموقع حضور بهم رسانند تلگراف تبریک خود را ارسال داشته بودند. تنها حزب کمونیست چین و حزب کار آلبانی بدعوت رفقای بلغار جواب رد داده و از شرکت خود داری کرده بودند. کلیه نمایندگان با شور فراوانی آمادگی حزب خود را برای کمک به مبارزه قهرمانانه مردم ویتنام

اعلام داشته و این سیاست رهبری حزب کمونیست چین که حتی وحدت عمل برای کمک بمردم ویتنام را رد میکند از جانب اکثریت قاطع نمایندگان احزاب محکوم شد. بسیاری از نمایندگان معتقد به لزوم تشکیل جلسه مشاوره احزاب کمونیستی و کارگری بودند و آنرا یکی از مسائل مبرم جنبش جهانی کمونیستی و کارگری می‌شمردند. هیئت نمایندگی حزب توده ایران نیز جزء بقیه در صفحه ۷

اعتبار بین المللی حزب توده ایران

در جریان برگزاری بیست و پنجمین سال تأسیس حزب توده ایران احزاب برادر ضمن تلگرافهای شادباش خود از مجاهدات انقلابی طولانی حزب ما با تجلیل و تحسین یاد کردند، برای مبارزاتی که حزب در طول یک ربع قرن به بهای قربانیهای سنگین و تحمل شدائد و محرومیت‌های فراوان علیه امپریالیسم و ارتجاع و در راه آرمانهای واقعی زحمتکشان ایران انجام داده است ارزش عالی قائل شدند و مراتب پشتیبانی و همبستگی عمیق خود را بامبارزه ایکه اکنون حزب ما در شرایط بسیار دشوار بخاطر منافع حیاتی و تأمین سعادت واقعی توده‌های مردم بدان مشغولست ابراز داشتند. احزاب برادر در تلگرافهای خود اهمیت تاریخی حزب ما و نقش برجسته ای را که نه فقط در پیشرفت جنبش انقلابی ایران بلکه در پیشرفت جنبش آزادیبخش ملی سراسر خاور نزدیک و میانه ایفا کرده است خاطر نشان کرده اند.

ارزیابی احزاب مارکسیست - لنینیست در باره حزب ما و مبارزات تاریخی آن و تجلیلی که از قهرمانها و فداکارهای اعضای آن کرده اند با وضوح تمام نشان میدهد که حزب توده ایران حتی در شرایط دشوار کنونی که مجبور است مبارزه خود را در اختفاء کامل انجام دهد و نیروهای ارتجاعی با تمام قوا از بسط دامنه فعالیت آن جلوگیری میکنند - در جنبش جهانی انقلابی از چه احترام عمیق و اعتبار بین المللی ارزنده ای برخوردار است.

نکته ای که در تلگراف بسیاری از احزاب خاطر نشان شده اینست که آنها جریان مبارزه حزب توده ایران را همواره با علاقه و دقت تمام تعقیب کرده اند و از دشواریهای فراوانی که حزب ما در اثر سرکوب دموکراسی و فقدان هر گونه آزادی سیاسی و اجتماعی در فعالیت خود با آن روبروست آگاهند و سرسختی و پیگیری خاصی را که حزب ما در چنین شرایطی برای ادامه مبارزه از خود نشان میدهد مستایند.

در نامه حزب کمونیست عراق بدین مناسبت نوشته شده است: «حزب توده برادر علیرغم وضع دشوار خود با قدرت و پیگیری بمبارزه در پیشاپیش مردم ایران ادامه میدهد. قربانیهای فراوانی که حزب در این راه داده است نه فقط اراده و پیگیری و اعتقاد آنرا به هدف عادلانه مردم ایران سست نکرده بلکه آنرا تقویت نموده و بآن استحکام و اعتماد بیشتری بخشیده است.»

مبارزه حزب ما در دوران موجودیت ۲۵ ساله اش از فراز و نشیب بسیار گذشته بقیه در صفحه ۲

نامه شاد باش

کمیته مرکزی حزب توده ایران

بمناسبت شصتمین سال تولد رفیق برژنف

بدبیر کل حزب کمونیست اتحاد شوروی رفیق لئونید ایلچ برژنف

رفیق عزیز لئونید ایلچ!

از جانب کمیته مرکزی حزب توده ایران و کلیه اعضاء حزب بمناسبت شصتمین سال تولد شما شاد باش صمیمانه را تقدیم می‌داریم و برای شما کامیابیهای بزرگ در مبارزاتی که بر رأس حزب کمونیست اتحاد شوروی، حزب لنین انجام میدهد، یعنی مبارزه بخاطر امر شریف ساختمان کمونیسم در اتحاد شوروی، مبارزه اصولی برای پاکیزگی مارکسیسم - لنینیسم، دفاع از اصول اترناسیونالیسم پرولتری و تحکیم وحدت و همبستگی جنبش کمونیستی و کارگری جهان خواستاریم.

یادی از ۲۱ آذر

و جنبش دمکراتیک مردم آذربایجان

فئودالها و اعمال ارتجاع و امپریالیسم از چنگ باز خواست مردم است. اگر «نجاشی» انجام گرفته باشد نجات رژیم پوسیده ارتجاعی ایران از زوال است نه چیز دیگر. حزب ما از همان آغاز پیدایش جنبش تا امروز تصریح کرد که جنبش دمکراتیک آذربایجان که برهبری فرقه دموکرات آذربایجان و صدر آن شادروان پیشه‌وری پدید شد یک جنبش ضد فئودالی ضد امپریالیستی، آزادیخواهانه و مترقی بود. سران جنبش بارها دل‌بستگی خود را به حفظ تمامیت‌ارمنی و استقلال تام و تمام ایران اعلام داشتند. آنها بارها گفتند که در چارچوب میهن واحد ما ایران خواستار حقوق فرهنگی و ملی خود هستند و مایلند که جنبش بقیه در صفحه ۷

ارتجاع ایران هر سال ۲۱ آذر ۱۳۲۵ را بافتخار کشتار چنگیزی خطه آذربایجان و سرکوب جنبش دمکراتیک این سامان جشن می‌گیرد! در این روز جراید و رادیو دولتی سخنان پر لاف و کزاف خود را درباره آنکه شاه «منجی آذربایجان» از چنگ «توطئه تجزیه طلبان» است تکرار می‌کنند ولی برای مردم ایران ۲۱ آذر موجد خطرات دیگری است: در این روز در آذربایجان نهضتی با خواسته‌های مترقی پدید آمد و پس از یکسال کار پر شور در همین روز این نهضت بدستور امپریالیسم و ارتجاع در خون غرق شد. خطری آذربایجان را تهدید نمی‌کرد تا کسی آنرا نجات دهد. اگر «نجاشی» بدست شاه، رژیم را و مردم و دیگر عناصری از این نوع انجام گرفته باشد نجات قضایی بی اعتبار و فاقد ارزش قانونی است. بعنوان نمونه از قانون مدنی یاد میکنیم.

را بر دیگری مسلط سازد. قانون مدنی بر خلاف نص صریح قانون اساسی، زن را نه بعنوان عضو متساوی الحقوق جامعه و خانواده، بلکه بعنوان برده و اسیر مرد، از بسیاری از حقوق انسانی خود محروم نموده و برای مرد بعنوان «انسان ممتاز» حقوق بی حد و حصری در خانواده قائل شده است.

مثلا در فصل مربوط به ارث تصریح شده است که: «پسر دو برابر دختر ارث میبرد» (ماده ۹۰۷). حصه ذکور از ارث دو برابر اناث است (مواد ۹۲۰ - ۹۲۳ - ۹۲۴). مرد از تمام اموال زن ارث میبرد اما زن فقط از اموال منقول، از ائنه و اشجار (ماده ۹۴۶).

بقیه در صفحه ۸

گانون مدنی ناقض قانون اساسی است

بجوخه قدرت رضاشاه باصطلاح «منجی زنان» تدوین و به تصویب رسیده است، در بخشی که مربوط به حقوق زن و مرد قوانین ارث، ازدواج، طلاق، ولایت، حضانت میشود با اصول قانون اساسی مغایرت تام دارد. اصل هشتم متمم قانون اساسی میگوید: «اهالی مملکت ایران در مقابل قانون متساوی الحقوقند» بنا بر مدلول این ماده هیچ قانونی نباید بین افراد ملت تمایز قائل شود، یکی را بر دیگری مرجح دارد، یکی

زنان و مادران!

جنبش هواداران تعمیر قانون مدنی را تقویت کنید

و آنرا به پیروزی برسانید!

و نه قوانین موضوعه بمندی بتوانند حقوق ملت را نقض نموده و مبانی حکومت دموکراسی را متزلزل نمایند. بر این مبنا، اصول مصرحه در قانون اساسی بمنزله «قانون مادر» میباشد پایه و اساس کلیه قوانین باشد و هر قانونی که بخوبی از انحاء با قانون اساسی در تعارض قرار گیرد و اصول آنرا نقض کند از نظر

۶۱ سال پیش هنگامیکه بر اثر مبارزات جانبازانه مردم در انقلاب مشروطیت، شاه مستبد وقت مجبور بامضاء قانون اساسی گردید، هدف آن بود که حقوق انسانی افراد و آحاد مردم و حقوق و تکالیف ارگانهای منتخب مردم، بصورت قانون اساسی کشور درآید تا دیگر نه هوی و هوس فلان مستبد تخت نشین

اعتبار بین المللی حزب توده ایران

و با کامیابها و ناکامیهای فراوان توأم بوده است. حزبی که در شرایطی شبیه به شرایط ما مبارزه میکنند اهمیت تجارب حزب ما و استفاده از آنرا در کار انقلابی خویش تصریح کرده اند.

حزب کمونیست سودان در تلگراف تبریک خود نوشته است: «۲۵ سال در زندگی احزاب دوران کوتاهی است. با اینهمه در همین دوران کوتاه، شما طی آزمایشهای سخت اعتقاد خود را به راه مردم، وفاداری خود را به اصول مارکسیسم - لنینیسم و شجاعت و اراده تزلزل ناپذیر خود را با اثبات رسانده اید. اینک که ما در کار تبدیل خود به یک حزب واقعا توده ای انقلابی هستیم از جمله از تجارب شما استفاده میکنیم».

اهمیت مبارزه انقلابی حزب توده ایران در پیشرفت جنبشهای انقلابی و آزادیبخش خاور نزدیک و میانه در ارزیابی بسیاری از احزاب برادر منعکس است. مثلاً در نامه تبریک حزب کمونیست ترکیه ضمن اشاره باین نکته گفته میشود: «رفقای ایرانی با کامیابیهای خود در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع به کمونیستهای ترک نیز که در شرایط اختفاء عمیق و تضییقات شدید علیه همان دشمنان مبارزه میکنند الهام بخشیدند و موجب تشدید فعالیت سایر نیروهای آزادیخواه کشور ما گردیدند».

البته احترام و اعتباری که حزب ما در نزد احزاب مارکسیست - لنینیست و کلیه انقلابیون جهان کسب کرده آسان و ارزان بدست نیامده است. این اعتبار بین المللی ره آورد مبارزات پیگیر است که حزب توده ایران در سراسر دوران حیات خویش بخاطر بهترین آرمانهای مردم ایران انجام داده است. در جریان این مبارزات صدها تن از بهترین فرزندان حزب بدست درخیمان شاه کشته شدند، هزاران تن از اعضاء حزب برندان افتادند و تحت شکنجه های وحشیانه قرار گرفتند، بهترین سالهای جوانی و عمر بسیاری از توده ایها در گوشه زندانها گذشت، هزاران تن از اعضاء حزب انواع مصائب و مجرومیتهای را متحمل شده اند، هزاران تن از مجاهدین حزبی بجای وطن مجبور گردیده و از شرکت مستقیم در حیات اجتماعی کشور خویش محروم شده اند. ولی نه تیرباران، نه زجر و شکنجه، نه تبعید و زندان نتوانسته است مبارزه آشتی ناپذیر این حزب اصیل توده ای را که از اعماق مردم برخاسته و در راه منافع حیاتی آنان مجاهدت میورزد حتی یک روز متوقف سازد و روح انقلابی و شور مبارزه را در اعضای حزب خاموش کند.

مبارزات حزب توده ایران بعلت خصلت عمیقاً انترناسیونالیستی آن در بسیاری از

عرصه ها با مبارزات سایر احزاب برادر وجه مشترک داشته و این احزاب برای این مبارزات اهمیت خاص قائلند.

حزب ما در ایران نخستین و یگانه حزبی بود که بلافاصله پس از تأسیس خود مبارزه دامنه داری را علیه فاشیسم آلمان و ایدئولوژی ضد انسانی آن آغاز نهاد و در تمام دوران جنگ جهانی دوم با نهایت سرسختی آنرا ادامه داد.

مبارزات حزب توده ایران علیه امپریالیسم انگلیس و عمال سرشناس آن و سپس علیه امپریالیسم امریکا و توسعه طلبی روز افزون آن در زمینه های سیاسی، اقتصادی و نظامی که در آغاز توسط میسیون ملبسینو انجام میگرفت از صفحات برجسته تاریخ جنبش انقلابی معاصر ایران است. در نتیجه این مبارزات چهره واقعی امپریالیسم انگلستان و امریکا بمقیاسی وسیع برای توده های زحمتکش آشکار شد و زمینه برای جنبش بزرگ ضد استعماری اواخر سالهای ۲۰ و اوایل سالهای ۳۰ فراهم گردید. بجزئیات میتوان گفت که بدون مجاهدات عظیم حزب توده ایران در زمینه بالا بردن شعور اجتماعی توده های خلق و مانوس ساختن آنها با اندیشه تشکیلی و همکاری در سازمانهای سیاسی و بدون شرکت فعال سازمانهای علنی و غیرعلنی این حزب ممکن نبود نهضت تاریخی توده های مردم در اوایل سالهای سی ام چنین دامنه عظیم و وسیعی بخود بگیرد. مکتب سیاسی حزب توده ایران لازم بود تا طبقات زحمتکش در آن سالها آمادگی لازم را برای ییکار عظیم ضد استعمار بدست آورند. بیهوده نیست که حزب کمونیست هندوستان در نامه تبریک خود مینویسد: «حزب ما پیوسته کار و مبارزه حزب شما را با علاقه و تحسین دنبال نموده است. نقش مهم حزب شما در دوران جنگ و مبارزات ضد امپریالیستی شما پس از جنگ خاطر اش هنوز برای ما زنده است...»

حزب توده ایران پیوسته علیه نفوذ نئو کلنیالیستی امپریالیسم، جهت انحاء امتیازات نفت انحصار های انگلیسی و امریکائی مبارزه کرده است. حزب شما در مبارزه برای ملی کردن نفت نقش عظیم ایفاء نموده است.

حزب توده ایران در سراسر دوران حیات پر فراز و نشیب خود همواره مدافع آتشین جنبشهای انقلابی خلقها علیه امپریالیسم و ارتجاع بوده است و همین جهت در خانواده مجاهدان جنبش آزادیبخش ملل تمام کشورها مقام شایسته دارد و از احترام و علاقه پرشور آنان برخوردار است.

بمناسبت بیست و پنجمین سال تأسیس حزب ما مینویسد: «حزب توده ایران در ۲۵ سال گذشته مبارزه قهرمانانه مردم ایران را علیه استعمار و استبداد سلطنتی محافل داخلی که با امپریالیستهای امریکا و انگلیس در توطئه اند و در راه دفاع از استقلال ملی، دموکراسی، آزادی و تأمین رفاه زحمتکشان ایران با پیگیری رهبری کرده است... حزب زحمتکشان ویتنام از مبارزه دلآورانه شما با شور و هیجان تمام پشتیبانی میکند. ما در ییکار کنونی خود علیه تجاوز تبهکارانه امپریالیستهای امریکا پیوسته از توافق روز افزون و حمایت وسیع احزاب برادر و خلقهای سراسر جهان و از جمله حزب توده ایران و طبقه کارگر و مردم ایران برخورداریم و بدینوسیله از حزب شما و طبقه کارگر و مردم ایران بخاطر این حمایت صمیمانه سپاسگزاریم».

این ارزیابی گرانبهای حزب قهرمان زحمتکشان ویتنام بیشک مایه سربلندی خلقی است که حزب توده ایران را بحق صدیقترین و پیگیرترین مدافع آرمانهای حیاتی خویش میشمارد.

حزب ما پشتیبانی مجدانه از سیاست صلحدوستانه کشورهای سوسیالیستی، پشتیبانی فعال از مبارزات تاریخی دوران ساز حزب بزرگ لنین، حزب کمونیست اتحاد شوروی و سایر احزاب برادر را در کشورهای سوسیالیستی از وظایف خود میشمارد و کامیابیهای این کشورها و نیرومندی هر چه بیشتر آنها را وثیقه مطمئن تکامل جنبشهای مترقی و ترقی و تعالی اجتماعی در سایر کشورهای جهان و از جمله در همین ما ایران میدانند.

حزب توده ایران تحکیم وحدت جنبش جهانی کمونیستی را مهمترین شرط پیروزی در مبارزه علیه امپریالیسم جهانی و در رأس آن امپریالیسم متجاوز امریکا میشمارد و همین جهت در چارچوب امکانات محدود خود با تمام قوا در راه تحکیم وحدت این جنبش بر بنیاد اصول مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتاری و علیه هر گونه فعالیت تفرقه جویانه و انشعابگرانه در جنبش مبارزه میکند. مجاهدات پیگیر حزب ما در راه تحکیم جنبش جهانی کمونیستی و دفاع از اصول مارکسیسم - لنینیسم یکی دیگر از عواملی است که اعتبار بین المللی آنرا در نزد احزاب برادر بالا برده است. احزاب برادر در نامه های تبریک خود برای تلاشهای حزب توده ایران در این زمینه ارزشی عالی قائل شده اند. در تلگراف حزب کمونیست بلغارستان گفته شده است: «کمونیستهای بلغارستان برای وفاداری حزب توده ایران با اصول مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتاری و برای مبارزه آشتی ناپذیری که در شرایط کار مخفی علیه انواع انحرافات از این اصول انجام میدهد ارزش عالی قائل هستند».

کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحده آلمان در نامه شادباش خود پس از ذکر این نکته که: «حزب توده ایران با مبارزه پیگیر خود در راه آزادی ملت ایران از قید تسلط انحصارات خارجی و ارتجاع ایران به یک حزب واقعی ملی و به پرچمدار مبارزه انقلابی

ملت ایران مبدل شده است» مینویسد: «حزب سوسیالیست متحده آلمان و حزب توده ایران همراه با سایر احزاب مارکسیست - لنینیست سراسر جهان برای تحکیم وحدت و همیوستگی جنبش جهانی کمونیستی بر اساس اعلامیه های ۱۹۵۷ و ۱۹۶۰ و برای اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی میکوشند».

کمیته مرکزی حزب سوسیالیست کارگری مجارستان در نامه تبریک خود نوشته است: «ما به کوششهایی که شما برای حفظ یا کیزگی اندیشه های کمونیستی و برای تحکیم وحدت جنبش جهانی کمونیستی مبدول میدارید ارج فراوان میگذاریم».

سایر احزاب برادر نیز برای مجاهدات حزب ما در این زمینه همین ارزش عالی را قائل شده اند.

پیگیری و ایستادگی حزب توده ایران در مبارزه بخاطر هدفهای اساسی و آرمانهای حیاتی مردم، وفاداری آن با اصول مارکسیسم - لنینیسم و خصلت عمیقاً انترناسیونالیستی آن علاوه بر عشق و علاقه و اعتماد توده های مردم اعتبار بین المللی گرانبهای را برای حزب توده ایران تأمین کرده است. جمع این دو عامل است که حزب توده ایران را علیرغم محدود بودن موقت دامنه فعالیت آن بعلت کار و فعالیت در شرایط اختفاء کامل و علیرغم برخی نقائص و اشتباهات، همچنان بعنوان بزرگترین و اصیل ترین حزب سیاسی کشور محفوظ نگاهداشته است. ما هیچ حزب سیاسی دیگری را در ایران سراغ نداشتیم که از چنین احترام و اعتمادی در میان مردم و از چنین اعتباری در جنبش عظیم انقلابی جهان معاصر برخوردار باشد.

هیچ نیروی سیاسی واقعاً ملی و میهن پرست که به سرنوشت جنبش اجتماعی ایران علاقمند باشد نمیتواند و حق ندارد نیرویی چون حزب توده ایران را نادیده انگارد. خود داری از همکاری با چنین نیرویی جز زیان هیچ نتیجه ای برای سازمانهای ملی و مترقی کشور در پی نخواهد داشت.

حزب توده ایران از نیروی اعتماد و علاقه مردم به خود و از اعتبار بین المللی خود همواره برای پیشرفت جنبش انقلابی کشور و کمک به نیروها و عناصر واقعاً ملی و مترقی استفاده کرده و خواهد کرد.

خوانندگان عزیز

توجه فرمائید!

بنا به پیشنهاد و درخواست عده زیادی از شنوندگان گرامی رادیو بیگ ایران، در ساعات پنج رادیو پشور زیر تغییر داده شده است:

رادیو بیگ ایران همه روزه در ساعت ۶ و ۷ و ۵۰ دقیقه بعد از ظهر بوقت تهران بر روی امواج کوتاه ۲۵ - ۲۶ - ۳۱ متر برنامه پخش میکند. در ساعت ۶ بعد از ظهر پس از اعلام برنامه بزبان فارسی، گیتار بزبان کردی آغاز میشود و تا ساعت ۶ و ۳۰ دقیقه ادامه میدهد. از ۶ و ۳۰ دقیقه برنامه بزبان آذربایجانی و از ساعت ۷ تا ۷ و ۵۰ دقیقه برنامه فارسی پخش میگردد. عین همین برنامه از ساعت ۷ و ۵۰ دقیقه مجدداً تکرار میگردد و تا ساعت ۹ و ۴۰ دقیقه ادامه میدهد. از خوانندگان گرامی خواهشمندیم ساعات و امواج رادیو بیگ ایران را بدوستان و آشنایان خود نیز اطلاع دهند.

هدف های استراتژیک و وظایف مبهم حزب ما

۱- چهار عرصه بررسی و تحلیل

در برابر حزب طبقه کارگر، حزب طراز نوینی که به جهان بینی علمی پر توان مارکسیسم - لنینیسم مجهز است چهار عرصه مستمر بررسی و تحلیل وجود دارد و با مطالعه دائمی این چهار عرصه، برآورد وضع، ارزیابی پدیده ها، دیدن گرایشها و بیرون کشیدن وظایف استراتژیک و تاکتیکی خود از این تحلیل، حزب قادر است مشی خود را دائماً بشکل واقع بینانه ای تنظیم کند، دچار انحرافات، جذبه های غلط، سردرگمها، و ابهام ها نشود و درک سالم، دید سالم و لذا سالم عمل داشته باشد.

این یک تلاش تئوریک دائمی و مهم و بفرنجی است که باید از طرف حزب طبقه کارگر انجام گیرد و مسئله انطباق خلاق اصول مارکسیسم - لنینیسم بر شرایط ویژه هر کشور جز این نیست.

این چهار عرصه مستمر بررسی و تحلیل عبارتست از: جهان، کشور، جنبش و حزب. در همه این عرصه های چهارگانه واقعیت متحرک و متنوع در حال تغییر و تحول است. بررسیها، تحلیل ها و استنتاجها در برخی نکات خود کهنه میشود و لازم است بررسیها و تحلیل و استنتاجهای تازه تری جانشین آنها گردند. البته این عمل تحلیلی و تعمیمی تنها برای تدارک تئوری انقلابی حزب است. و پس از آن مرحله بسیار بفرنجی و دشوار عمل و مبارزه انقلابی فرا میرسد.

این مرحله است که صحت و سقم و یا باصطلاح عبار تئوری ها و نظریات، شعارها و رهنمودها روشن میگردد، در این مرحله است که حزب میتواند جوهر واقعی خود را نشان دهد و ثابت کند که آیا باجرا آنچه که میگوید لایق است یا نه. سخن ما در این مقاله عجلتاً معطوف مرحله اول یعنی مرحله تمیم و انطباق تئوریک است.

حزب توده ایران طی سالهای اخیر تلاشهای مکرر و متعدد برای روشن کردن خط مشی خود در مسائل بین المللی، در مسائل استراتژی و تاکتیک حزب طبقه کارگر در مرحله انقلاب دمکراتیک ملی، در مسائل مربوط به جبهه واحد و وحدت عمل نیروهای ملی و دمکراتیک، در مسائل مربوط به ساختمان حزب و شیوه های کار او در شرایط امروزی و اشکال مختلف مبارزه در این شرایط، انجام داده ولی ادعای آنکه این کوشش موفق شده است کلیه مسائل را بدرستی و یا بشکل نهائی حل کند، ناچار نمیتواند ادعای درستی باشد. هنوز باید تلاش منظم و جدی بسیاری انجام گیرد تا ارزیابی صحیح در چهار عرصه مورد بحث به نتایج منطبق برسد و استراتژی و تاکتیک حزب، وظایف

انقلابی، بین استواری اصولی و نرزش عملی است. اگر در حل این مسئله چپ روی یا راست روی شود، تناسب صحیح (که خود در جریان عمل در حال حرکت و تغییر است) بدست نیامده است. لذا مسلماً نظریاتی که برای «حل» مسائل بیان میشود باید با نهایت دقت مورد بررسی قرار گیرد تا خش ها و گرایشهای انحرافی در آن راه نیابد یا بموقع اصلاح شود. کسی که می اندیشد و عمل میکند اشتباه میکند. اشتباه عیب نیست، لعاج در اشتباه عیب است. اگر همه این اسالیب لنینی در مشی و اصلاح آن مراعات گردد، میتوان بدون تضادهای مضر وظیفه مقرر را بسر انجام رساند.

۲- زبده ای از تحلیل اجتماعی و سیاسی حزب ما

چنانکه گفتیم حزب توده ایران در یک سلسله اسناد خود از پلنوم یازدهم کمیته مرکزی پیغمد کوشید بتدریج خط مشی سیاسی و تبلیغاتی خود را روشن و منقح سازد و این خط مشی را هم از مشی سکتاریستی و ماجراجویانه (که مایل است هدف های استراتژیک انقلاب را بدون وجود شرایط ضرور ذهنی و عینی آن و تنها با تکیه اراده و احساسات پیشاهنگان عملی گرداند) هم از مشی اپورتونیستی و رفرمیستی (که خواستار دمساز شدن با وضع، انصراف از خواست تحول بنیادی جامعه و بسنده کردن به ایجاد تغییرات کم دامنه در چهارچوب رژیم موجود است) مجزرا کند و متباین نماید.

تلاش حزب در این زمینه اکنون به نتایج روشن تری رسیده است که میتوان آنرا در نکات زیرین خلاصه کرد:

انقلاب ایران در مرحله انقلاب ملی و دموکراتیک یا به بیان دیگر انقلاب دموکراتیک طراز نوینی است که باید در یک کشور کم رشد و دچار وابستگی باامپریالیسم تحقق یابد. هدف این انقلاب ایجاد یک حکومت ملی دموکراتیک است، حکومتی که از جهت سیاسی در بالاترین شکل خود اتحاد نیروهای دموکراتیک و ملی برهبری پرولتاریاست و از جهت اقتصادی راه رشد غیر سرمایه داری را در پیش میگیرد و جاده سیر بسوی سوسیالیسم را هموار میسازد.

رسالت تاریخی پرولتاریا و حزب اوست که برای احراز سرکردگی در این انقلاب بکوشد ولی روشن است که این امر تنها به خواست وی مربوط نیست. برای تحقق انقلاب ایران شرایط عینی (وضع انقلابی) و شرایط ذهنی (وجود حزب باندازه کافی آماده و مجهز طبقه کارگر و اتحاد نیروهای تحول طلب) لازم است. بدون وجود این شرایط عینی و ذهنی طرح شعار استراتژیک بشما به یک شعار مبهم و یک وظیفه روز یک طرح انتزاعی و نادرست است. ماهیت این انقلاب انتقال قدرت از دست طبقات ارتجاعی بدست طبقات انقلابی است و اما شکل تحقق این انقلاب میتواند بر حسب وضع یعنی بر حسب وجود یا فقدان دموکراسی در جامعه، مسالمت آمیز یا قهر آمیز باشد. اگر شرایط عینی و ذهنی انقلاب فراهم و در عین حال طرق مبارزه دموکراتیک و تحول مسالمت آمیز مانند امروز

مسدود باشد، ناچار نیروهای تحول طلب راه دیگری ندارند جز آنکه بشیوه قهر آمیز انقلاب متوسل شوند. تمام این نکات بویژه در یک مقطع استراتژیک مطرح است. در شرایط کنونی غیرموجود ناخرسندی همگانی و منفرد بودن شاه و رژیم او در افکار عمومی، هنوز شرایط عینی انقلاب در ایران فراهم نیست یعنی وضع انقلابی به معنای علمی این کلمه وجود ندارد و شرایط ذهنی نیز دارای وضع غیر مساعدی است. یعنی حزب طبقه کارگر فاقد سازمان کافی و محکم است و در میان نیروهای تحول طلب وحدت عمل حکمروا نیست. ولذا طرح هدفهای استراتژیک بدون وجود شرایط ضرور و بدون داشتن تدارک سازمانی لازم بعنوان هدف مبهم نه فقط سودی نرساند، بلکه موجب اتلاف انرژی و نیروی انقلابی است و انقلابیون را یک گروه جدا شده از واقعیت بدل میسازد. برخی، با تکیه نقل قول از ماوتسه دون استدلال میکنند که گویا خود مقاومت مسلحانه و جنگ پارتیزانی قادر است شرایط انقلابی را در جامعه پدید آورد و اینکه قیام مسلح تنها شکل نهائی و نقطه اوج یک جنبش مقاومت مسلحانه طولانی است و لذا میتوان بدون وجود وضع انقلابی و پس از تأمین تدارک معین سازمانی دست بعمل مسلحانه زد. آنچه که مسلم است کلاسیکهای مارکسیستی مسئله تحول انقلابی را بدین ترتیب مطرح نکرده اند، حزب با حفظ ایمان و اعتقاد بی خلل بضرورت انقلاب اجتماعی و اینکه در اثر ترا کم تضادهای رژیم، شرایط این انقلاب در آینده فسخ خواهد یافت بر آنست که آنچه در شرایط کنونی مطرح است مبارزه در راه شعارهای مبهم و تاکتیکی است که میتواند راه نیل به هدفهای استراتژیک را هموار سازد. مبارزه در راه صلح و استقلال ملی، در راه آزادیها و حقوق دموکراتیک، برای ترقی و رفاه و کوشش برای بسط و تعمیق رفرمها، واداشتن رژیم بعقب نشینی های تازه بتازه در همه جهات - چنین است سمت های اساسی مبارزه در حال حاضر. اگر مطلق کردن شعار های استراتژیک بدون توجه بوضع نیرو های انقلابی، بدون توجه به آمادگی زمینه اجتماعی یک عمل سکتاریستی و چپ روانه است، مطلق کردن شعار های تاکتیکی و فراموش کردن هدفهای استراتژیک، بسنده کردن بمبارزات کم دامنه در راه این یا آن هدف مبهم بدون داشتن دورنمای انقلابی و تدارک فعال انقلاب نیز راست روی و تسلیم طلبی است. ولی توجه بوظایف مبهم و مشخص جامعه، جنبش رهایی بخش و حزب پیشاهنگ برای نیل بشرایط مساعد تر، بقصد هموار کردن راه تحول انقلابی جامعه یک سیاست انقلابی صحیح و واقع بینانه است. چنانکه گفتیم حفظ تناسب صحیح دیالکتیک بین هدفهای استراتژیک و تاکتیک وظیفه ایست دشوار ولی بی نهایت ضرور.

حزب ما طبق تحلیل علمی و بر حسب تجارب سیاسی سالهای اخیر گام بسگام باین نتیجه صحیح نزدیک شده است. در عین حال بقیه در عین حال

هدف های استراتژیک و وظایف مبرم حزب ما

حزب معتقد است که تاریخ پر از چرخشهای سریع و مستعد ایجاد شرایط غیر مترقب است. مشی سیاسی حزب باید بتواند چرخشها و دگرگونیها را همیشه بحساب آورد و از همه امکانات واقعی نه پنداری برای تسریع تحول جامعه استفاده کند. يك رهبری علمی نه فقط بر محاسبه «امکانات» بلکه بر محاسبه «احتمالات» دور و نزدیک نیز مبتنی است.

۳- شعارهای مادر شرایط کنونی

یکی از اسناد مهمی که در آن مسائل استراتژیک و تاکتیک انقلاب ایران مطرح گردیده است ترهائی است که بوروی کمیته مرکزی بمناسبت ۲۵ مین سالگرد حزب توده ایران نشر داده است.

اخیراً رهبری حزب در رهنمودهایی که برای ارگانهای تبلیغاتی تصویب کرده، شعارهای مبرم و تاکتیکی را مشخص نموده است. مجموع این شعارها میتواند نوعی «برنامه حد اقل» حزب در شرایط کنونی قرار گیرد. حزب این شعارها را در مقابل نیروهای ملی و دموکراتیک بعنوان پایه وحدت عمل و یلایق مشترک مبارزه در اوضاع و احوال امروزی، مطرح مسازد و بر آنست که مبارزه مردم بپوشه باید گرد این شعارها سازمان یابد.

شعارهای مبرم و تاکتیکی حزب را برای شرایط کنونی مبارزه میتوان در ذیل عناوین زیرین تلخیص کرد:

الف - در راه صلح و استقلال

شعارهای مشخص ما در این زمینه چنین است: مبارزه برای خروج ایران از پیمان سنتو، لغو قرارداد دو جانبه ایران و امریکا و الغاء قانون تنگین کاپیتولاسیون و اخراج مستشاران خارجی و مبارزه علیه انعقاد «پیمان اسلامی»، مبارزه برای اتخاذ سیاست بیطرفی، مبارزه برای بسط روابط ایران با کشورهای سوسیالیستی و ملی، مبارزه در راه حقوق حقه ایران در صنایع نفت، مبارزه برای تأمین همبستگی ایران و جنبشهای مترقی و ملی کشورهای عربی و حل مسائل مورد اختلاف با کشورهای ملی و مترقی عرب از طریق مذاکره، مبارزه علیه سیاست ورشکستگی آور «درهای باز» و بسود اتخاذ يك سیاست بازرگانی سالم، مبارزه علیه فعالیت تاراجگراانه مؤسسات و سرمایههای امپریالیستی در ایران، مبارزه در راه اجراء يك سیاست صلح آمیز در جهان و در خاور میانه و افشاء سیاستهای خادنه جویانه و جاه طلبانه رژیم در این منطقه.

ب - در راه آزادیها و حقوق دمکراتیک شعارهای مشخص ما در این زمینه چنین است: مبارزه در راه علنی شدن کلیه

توجه پدید میشود. این امر نیز دارای همان علل عینی است که در مورد اختلاف هیئت حاکمه با امپریالیسم ذکر کرده ایم. در کلیه این موارد وظیفه ماست که اولاً این اختلافات را بدرستی درک و ارزیابی کنیم و ثانیاً از آنها استفاده کنیم و آنها را عمیقتر سازیم و بدین ترتیب روزنه هائی برای بسط بیشتر نهضت مردم فراهم آوریم. لنین تصریح میکند که اختلاف در اردو گاه خصم از جهت استراتژیک بی اهمیت است ولی از جهت تاکتیک شایان توجه است. لنین توصیه میکند که از این اختلافات برای هدفهای تاکتیکی استفاده شود.

در اختلافات مابین هیئت حاکمه از طرفی و امپریالیسم از طرف دیگر، طرف ضربه اساسی مبارزه ما باید متوجه امپریالیسم باشد. در اختلافهای داخلی هیئت حاکمه باید ضربه اساسی متوجه آن افراد و گروههای هیئت حاکمه شود که از شعارها و روشهای ارتجاعی تری دفاع میکنند. در عین حال باید در همه موارد کوشید تا هیچگونه پندار غلط و گمراهی آوری برای مردم پدید نشود و وجه مشترک کلیه گروههای هیئت حاکمه، وجه مشترک هیئت حاکمه و امپریالیسم و جنبه ضد خلقی آنها بر مردم روشن گردد و مبارزه مردم برای هدفهای دورتر حزب یعنی هدفهای استراتژیک وی بسیج شود. تجارب حزب ما نشان میدهد که در آمیختن هر دو این وظایف کاملاً عملی است.

ما وظیفه داریم که در تحلیل وضع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در کشور دید و برخورد واقع بینانه داشته باشیم یعنی بدون بررسی فاکت ها و کسب اطلاع همه جانبه حکمی صادر نکنیم تا خود را از خطر ذهنی گری و استعراق و جنبه های غلط چپ و راست محفوظ نگاه داریم. باید نه فقط انتقاد اجتماعی ما واقع بینانه و مستدل باشد، بلکه باید همیشه بتوانیم آلترناتیف خود را در باره هر موضوع مشخصی ارائه دهیم تا سخن ما در نظر مردم منفی بافی صرف بنظر نرسد و آنها را برای نیل به آماج مشخصی بسیج نماید.

از آن گذشته روش ما و تبلیغات ما باید نه فقط بصحت و کارائی محتوی خویش توجه کنند، بلکه از اتخاذ راه و روش صرفاً و انحصاراً احساسی و فاقد استدلال متقن احتراز ورزد. تردیدی نیست که بکار بردن روش احساسی و تهییجی در تبلیغات حزبی در موارد معینی ضرور است ولی ارائه سیاست حزب بطور اساسی وعده باید مبتنی بر شیوه اجتماعی تعقلی باشد. افشاء اقدامات رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک شاه و دربار سلطنتی با مبراعات چنین روشی مؤثر تر میگردد. آری روش ما بشابه حزب انقلابی افشاء و مبارزه است نه ارشاد و انتقاد رفورمیست مآبانه. ولی سخن بر آنست که باید این روش را بپوشترین و واقع بینانه ترین نحوی بکار برد.

قضاوت ما در مورد رژیم ایران

گسارهای آینده

علیرغم آنکه رژیم در این اواخر از «سیاست

مستقل ملی» دم میزند (و در واقع نیز در سمت یابی يك جهت سیاست خارجی ایران برخی تغییرات رخ داده است و روابط با کشورهای سوسیالیستی دایر گردیده و کما بیش بسط میابد و لذا پایگاه امپریالیسم گسر چه بطور مطلق بسط یافته است ولی بطور نسبی محدودتر میشود و در برخی مسائل مانند روابط با کنسرسیوم نفت، پیمان سنتو، سیاست درهای باز برخی از سخنگویان رژیم لند لند هائی میکنند) رژیم کودتا کماکان يك رژیم ضدملی

است زیرا هنوز هیچ گام جدی در جهت استقلال سیاسی و اقتصادی کشور برداشته نشده است. علیرغم آنکه رژیم از روش «انقلابی» خود دم میزند و از اصلاحات خود سخن میگوید (و ضرباتی به فتودالیسم در نتیجه اصلاحات ارضی وارد شده و برای صنعتی کردن کشور و ایجاد کارخانه های ذوب آهن و ماشین سازی گامهایی برداشته شده است) رژیم جنبه ضد دموکراتیک و ارتجاعی خود را حفظ کرده است و در سمت کاهش ضد دموکراتیک رژیم کمترین اقدامی دیده نمیشود. برعکس رژیم در حفظ اصول استبدادی و کیش شاهپرستی و ابقاء شیوه ترور و اختناق اصراری روز افزون دارد و اثری از کمترین عقب نشینی رژیم در این عرصه مشاهده نمیکردد. باید تصریح شود که تغییرات حاصله در رژیم تغییرات غیر ماهوی است. رژیم در اثر مبارزه مردم و تغییر تناسب قوا در صحنه جهانی و ضرورتهای اقتصادی باین تغییرات مجبور شده است.

از همه اینها گذشته اپوزیسیون انقلابی با رژیم موجود دارای يك اختلاف نظر تاریخی عمیقتر است. چنانکه بکرات گفته ایم تنها يك دولت ملی و دمکراتیک که بتواند انرژی های انسانی و طبیعی را در میهن ما با نقشه علمی بجد اعلا تجهیز کند و ایران را با آهنگ جامع رشد در همه جهات مادی و معنوی سرعت پیش برد قادر است معضل بزرگ ملی ایران یعنی پر کردن فاصله ژرف با کشورهای راقیه را حل کند. واقعات نشان میدهد که این فاصله در شرایط کنونی در کار بسط یافتن است. اقدامات و رفورمهای نیم بند رژیم در جهت تثبیت وضع بسود سرمایه داران و ملاکان و امپریالیستهاست نه در جهت تحول وضع بسود اکثریت مطلق مردم ایران. بنا با اعتقاد ما رژیمیکه راه سرمایه داری را در پیش گرفته، با سرمایه داری امپریالیستی تکیه میکند و میخواهد اشکال قرون وسطائی سلطنت مستبد و اشراف را حفظ نماید و آزادیها و حقوق دموکراتیک خلق را سرکوب کند قادر نیست این معضل تاریخی را حل نماید. مسلماً این رژیم در آینده با بحرانها و تناقضات عمیق جدیدی روبرو خواهد شد.

وظیفه نیروهای تحول طلب آنست که هم در راه عقب نشینی واداشتن رژیم و هم ایجاد شرایط اجتماعی و سازمانی برجیدن بساط آن مبارزه کنند. مشی سیاسی توضیح شده در فوق را تنها باید در این مقطع فهمید

هدف های استراتژیک و وظایف مبرم حزب ما

زیرا تنها در این مقطع است که این مشی ماهیت و محتوی انقلابی خود را حفظ میکند و به مرحله ای در راه پیشرفت هدف های دورنمایی و استراتژیک جنبش مبدل میگردد. برای داشتن خط مشی سیاسی، تبلیغاتی و تشکیلاتی صحیح نه فقط باید ارزیابی صحیح و واقع بینانه ای از وضع موجود داشت، بلکه باید گرایشهای رشد و مسیر تغییرات اقتصادی و اجتماعی را نیز مورد توجه قرار داد. یعنی باصطلاح علمی نه فقط دیاگنوستیک بلکه پروگنوستیک نیز ضرور است. ما میگوییم تا این گرایشها را بیان داریم، از جهت اقتصادی ایران اکنون در

و غلبه ناپذیر در تاریخ کشور بدل گرداند و خود را از خطر عقب ماندگی و دن کیشوتیسم سیاسی در امان نگاه دارد.

اشکال مبارزه در شرایط کنونی

دادن شعار های درست کافی نیست، برای اجراء این شعار ها باید مبارزه کرد. وظیفه ما ارشاد رژیم نیست، و ادار ساختن او بقبول خواسته های مردم است. رژیم و ادار نیشود مگر آنکه با مبارزه روبرو گردد. برای اجراء شعار های مبرم حزب اشکال مختلف مبارزه وجود دارد مانند بسط مبارزات مطالباتی و اعتصابی، تظاهرات، اجراء مبارزات انتخاباتی، شرکت در سازمانهای سندیکائی و بسط جنبش سندیکائی، ایجاد کمیته های دفاع، استفاده از افکار عمومی ایران و جهان. افشاگری و نقادی مستدل و نافذ، استفاده از تناقضات، وحدت عمل با نیروهای اپوزیسیون و همکاری دراز مدت یا کوتاه مدت با کلبه نیروهایی که در این یا آن نکته حاضرند با ما قدم مشترک بردارند و غیره و غیره.

توده ایها باید بتوانند در هر جا که مردم مجتمع هستند، در جمعیت های کارگری، دهقانی، دانشجویی، زنان، جوانان، ورزشی، فرهنگی و غیره و غیره شرکت کنند و مبارزه مردم را متشکل سازند و آنرا رهبری نمایند. اگر توده ایها به افراد، گروهها و شبکه های جدا از زندگی و مردم و مبارزه مبدل شوند، جز مشتی ابراز احساسات انقلابی، کار دیگری از آنها ساخته نخواهد بود. تنها انقلابیونی که محیط واقعی را درک میکنند، با آن پیوند دارند، با آن در می آمیزند، میتوانند محرک نبرد باشند، آنرا سازمان دهند، آنرا بجلو برانند، قادرند جاده پیروزی را هموار سازند.

داشتن مشی صحیح شرط لازم است ولی کافی نیست پس از داشتن مشی صحیح عمل مؤثر و خردمندانه ضرور است. علم بی عمل درخت بی بر است. حزب بدون مبارزه علمی، گروه جدا مانده از زندگی و باشکاه صحت و انجمن علمی است.

این بسیار درست و بجاست که حزب برای منقح کردن مشی سیاسی خود، جدا کردن آن از سکنازیسم و اپورتونیسم، مشخص کردن هدفهای استراتژیک و تاکتیکی خود مبارزه میکند و در واقع نیز در این زمینه به نتایج روشن تری رسیده است. ولی باید در عین حال با نیروی ده چندان به اجراء عملی مشی خود بپردازد. تمام نکته مرکزی در همین جاست نباید در باره تحول خود بخودی وضع در جهت مطلوب، کمترین پنداری بخورد راه داد. رژیم

که بر کشور ما مسلط است دارای تعهدات ارتجاعی عبیق است. فقط و فقط از راه مبارزه، از راه فداکاری، از راه مقاومت، از راه سرسختی درخواستهای حق و عادلانه میتوان برای نهضت و مردم روزنه ای به پیش کشود. آنچه که موجب پیدایش برخی تغییرات در رژیم شده است مبارزه و مقاومت است و همین مبارزه و مقاومت است که اگر در مجرای درست و واقع بینانه خود سیر کند، قادرست وضع را بسود مردم و جنبش رهایی بخش ایران تغییر دهد. باید به روحیات شکست طلبی، یاس و فرسودگی از مبارزه میدان نداد و شعله نبرد و پایداری را کماکان فروزان نگاه داشت و فروزاتر ساخت.

مبارزه علیه دو برخورد نادرست - اهمیت

تلاش تشویریک حزب

برای تکمیل سخن نکته دیگری را نیز باید افزود و آن ضرورت مبارزه علیه دو برخورد نادرست در مسائل استراتژیک و تاکتیکی است.

یکی از این دو برخورد، برخورد چپ روانه است که چنانکه گفتیم شرایط عینی و ذهنی ضرور اجراء هدف استراتژیک را یا در نظر نیگیرد یا بدانها کم بها میدهد. خطر چپ روی در حزب و نهضت وجود دارد و علل آن نیز روشن است: سیاست ارتجاعی و اختناق آور رژیم، سرکوب جنبش اپوزیسیون، مشکلات حاد و متعدد زندگی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور ما خشم و طغیان مقدس در دلها آکنده کرده است. مردم خواستار تحول اساسی در وضعی هستند که نمیتواند امید و اعتماد آنها را برانگیزد و قادر نیست دورنمای یک جامعه عادلانه را در برابرشان بگسترده. این امر منجر به پیدایش روحیه شتابکارانه و حادثه جوینه میشود و محیط شعار های ناسنجیده را مساعد میگرداند. ولی خطر انحراف تنها به چپ روی منحصر نیست. خطر بر خورد راست روانه

نیز وجود دارد و علل آنها هم روشن است: این واقعیت که حزب ما و نهضت رهایی بخش دچار اشتباهات و ناکامیهای متعدد شده اند و اکنون نیز قادر نیستند دورنمای یک موفقیت سریع را در برابر مردم بکشایند، این واقعیت که رژیم دست به رفورم، عقب نشینی و مانور های اجتماعی زده است و تغییراتی در سیاست داخلی و خارجی خود وارد ساخته است، و سرانجام انواع خستگیها و فرسودگیهای روحی، میتواند تمایل به دمساز شدن با رژیم، بر بها دادن به اقدامات اصلاحی آن، ناچیز گرفتن هدف استراتژیک تحول انقلابی جامعه و غیره و غیره را تقویت کند.

باید دانست که حزب ما یک حزب انقلابی است نه رفورمیست. ما خواستار تحول بنیادی جامعه ایرانیم و اقدامات رژیم در چارچوب حفظ سازمان ها و نظامات غیر دمکراتیک و ضد خلقی است. رسالت تاریخی یک حزب انقلابی شکستن این چارچوبهاست. تمام مسئله در آنست که حزب انقلابی در مبارزه سیاسی خود از طرفی طوری واقع بینانه عمل کند که بتواند واقعا یک نیروی مؤثر تحول و تغییر در جامعه بدل گردد و تنها به لفاظیهای

تهی، بسنده ننماید و از طرف دیگر و در عین حال طوری اصولی عمل کند که مبارزات تاکتیکی و برخورد واقع بینانه او را از هدف های اساسی منحرف نگرداند.

چنانکه در آغاز این مقال گفته شد تلاش حزب برای روشن کردن نظر خود در چهار عرصه: جهان، ایران، جنبش و حزب باید ادامه یابد. در هر یک از این عرصه ها باید بدو نکته اساسی توجه شود: ۱- ارزیابی وضع و گرایشهای رشد و ۲- روشن کردن وظایف. از آنجا که وضع در تغییر است، وظایف نیز در تغییر است لذا اسناد و استنتاجات در برخی از نکات خود کهنه میشوند. لذا وظیفه تحلیل تشویریک چنانکه گفته شد، وظیفه مستمر است. ما امیدواریم که در مسائل مربوط به جنبش و حزب نیز بررسیهای تحلیلی جدا گانه ای خواه بصورت تز، خواه بصورت مقاله نشر دهیم و از مشورت جمعی برای تنظیم تدریجی پلانم حزب مند گیریم. کمترین فایده این عمل آنست که به نشست موجود در آراء و نظریات تا حد محسوسی خاتمه خواهد داد و برای مبارزه حزب زمینه درستی تهیه خواهد کرد.

بعلاوه بررسی مطبوعات سازمانهای دیگر اپوزیسیون نشان میدهد که در کنار نضج افکار و ایدئولوژیهای این سازمانها، مقدار زیادی مسائل نادرست بیان کشیده میشود که دارای ظاهر استدلالی، علمی و حتی انقلابی است. حزب ما باید با روشن کردن خواسته ها، بر آورد ها و وظایف خود در زمینه های چهار گانه دست بیک پولمیک وسیع، علمی اصولی و استدلالی برای پیشرفت نظریات خود و روشن کردن نظریات و جریانات نادرست بزند. مبارزه تشویریک و ایدئولوژیک در شرایط کنونی اهمیت درجه اول کسب کرده است. با آنکه ما مارکسیستها - لنینیستها به تقدم عمل بر تئوری معتقدیم این بدان معنی نیست که میتوان به عمل بدون تئوری دست زد. عمل بدون تئوری صحیح گاه بقدری مضر است که بهتر است اصلا بدان دست زده نشود. تشبیه بسیار بدیع عمل و جنبش انقلابی، کشتی و تئوری به قطب نما فراموش نشود. کشتی بدون قطب نما بگرداب میرود و قطب نما بدون استفاده عملی زنگ میزند. لذا پراتیسیسم و کم بها دادن بتئوری که متأسفانه دیده میشود مضر است. استغراق در بحثهای آکادمیک و تبدیل حزب به باشکاه مردم، دور از نهضت نیز نه فقط مضر بلکه مضحک است.

تمام روح دیالکتیک دریافت رابطه منطقی بین قطب های متضاد است.

هموطن عزیز ارفقای حزبی
به این آدرس در استکهلم (سوئد) بآزاد
بیک ایران، ملهنامه مردم، مجله دنیا و مجله مسائل
بین المللی مکتبه کنید. نظرات، انتقادات و پیشنهاد
های خود را برای بهبود رادیو و مطبوعات و مجموعه
فناوری ما ارسال دارید.

P. B. 4176
Stockholm 4
Sweden

یادی از جنبش های اجتماعی و انقلابی تاریخ کشور ما

تاریخ دیرینه و پر فراز و نشیب کشور ما سرشار از جنبش ها و پایداریهایی گونا گونی است که از طرف خلق های ایران مند ستمگران داخلی و یا متجاوزان خارجی و یا هر دو بوجود آمده است. بیشتر تاریخ نویسان شرح حالات طبقات حاکمه و فرمانروایان و حوادث دوران آنها را بتفصیل نوشته اند اما غالباً از ذکر جنبش های سیاسی و فکری توده های مردم علیه آنها یا خودداری کرده و یا اگر هم به ثبت آنها پرداخته اند با تحلیلی غیر علمی و یا غرض آلود بنفع حکومت های زمامت خود همراه است غالباً از جنبش های سیاسی به عنوان شورش و بلوا و یا فتنه یاد نموده و جنبه انقلابی و پیشرو آنها را جز تاریکی نهنداند بقایید و افکار مترقی که دارای هسته های مقاومت و یا نوعی قیام فکری علیه ایدئولوژی طبقات حاکم بوده رنگ الحاد و کفر و زندگه زده اند باوجود این مدارک و منبع کافی برای جمع آوری این نهضتها و تحلیل آنها بر پایه علمی وجود دارد. در این زمینه در گوشه و کنار کارهای مفید و یا ارزش انجام شده که دارای نقائص فراوانی است. تحقیق در باره تمام نهضت ها، قیام ها و مقاومت هایی که در تاریخ کشور ما بوقوع پیوسته از حوصله این مقال و از عهده نگارنده این سطور خارج و خود کار بزرگی است که باید انجام گیرد در این مقاله سعی میشود فهرست وار پاره ای از این جنبش ها به ترتیب تاریخ وقوع آنها اشاره و نشان داده شود که خلق های ایران وارث سن انقلابی دیرین و گرانبهایی هستند که باید از آنها در مبارزه ضد استعماری و ضد ارتجاعی امروز الهام و عبرت گیرند.

جنبش های اجتماعی و انقلابی در دوران

قبل از اسلام

مدارک تاریخی موجود از این دوران دو جریان وسیع خلقی را که یکی بصورت پایبندی فکری منفی و دیگری بصورت قیام و جنبش سیاسی است نشان میدهند. اول بسط و توسعه افکار و عقاید مانی و دوم پیدایش مزدک و قیام مزدکیان است. مانی (۲۷۴-۲۱۶) میلادی مؤسس طریقه مذهبی است که بر دوگانگی یا بر ثنویت استوار است. او جهان را مرکب از نور و ظلمت میداند و معتقد است که نور ماهیچه زندگی، حیات و نیروی ایجاد است که در تمام اشیاء وجود دارد و در درون آنها محبوس تاریکی است نجات او و پیروزی او بر ظلمت فقط از راه ریاضت و زهد و پرهیزگاری امکان پذیر است. عقاید مانی با عقاید و متضمن قسمتی از عقاید زرتشتی، مسیحی و بودائی است که در سیستم فکری منظمی بهم پیوند داده شده است. نظریات مانی در آن دوران از طرف مؤیدان زرتشتی و کشیشان مسیحی و زهربران بودائی بعنوان کفر و زندگه محکوم گردید و آنها که خود با یکدیگر پیوسته گرم جبال مذهبی بودند متحده شده چندین کوشیدند تا مانی بمرگ محکوم شد و عده ای از پیروان او مقول گردیدند. مرگ مانی و تعقیب طرفداران او مانع از آن نشد که عقایدش بسرعت بین دهقانان و زحمتکشان شهری که در زیر ستم دوگانه اشرف و مؤیدان رنج میکشیدند توسعه و بسط یابد و مظهر مقاومت آنان علیه ستمگران گردد. زهد و پرهیزگاری الحاد و زندگه در تمام قرون وسطی شکلی از مقاومت توده ها علیه نظام ظالمانه موجود و وسیله ای برای ابراز مخالفت و ناسازگاری و عدم تسلیم آنها بوضع اجتماعی و طبقات حاکمه بوده است و هر وقت شرایط و امکانات برای قیام و مبارزه مثبت بوجود آمده این توده های ناراضی جنبش های بزرگ سیاسی پدید آوردند و به لرد علنی علیه جباران و ستمگران دست زدند. چنانچه در دوران قباد پادشاه ساسانی (اواخر قرن پنجم و اوائل قرن ششم) از ذرون جنبش مانی جنبش مزدکی برخاست و بز ایناس عقاید مانی طریقه مزدکی با خصوصیات یک مبارزه مثبت و عملی پدید

در خراسان پایان داده شود ابوسلم از میان رفت ولی جنبش در خراسان پایان نیافت.

استاد سپس: در سال ۱۵۰ هجری یکی از مردم خراسان بنام استاد سپس در خراسان قیام کرد و بر تمام بلاد خراسان تسلط یافت و حکومت عرب را برانداخت تا آنکه سپاهیان عظیمی از دربار خلیفه بخراسان آمد و در جنگ سختی این قیام سرکوب شد و در سال ۱۵۱ هجری استاد سپس را بدار آویختند.

قیام سند باد: پس از قتل قبیح ابو مسلم خراسانی قیام های دیگری در خراسان پدید آمد که از جمله آنها قیام سند باد مجوس است. او دهقانی از نیشابور بود و پیروان فراوان یافت و بسیاری از مردم کوهپایه های خراسان بدو پیوستند و بخونخواهی ابوسلم قیام کردند منصور خلیفه عباسی این قیام را با اعزام سپاهی گران سرکوب کرد اما جنبش باشکال دیگری ادامه یافت.

راوندیان: نهضت راوندیه که بدست ایرانیان پدید آمد در کوفه آغاز گردید صورت مذهبی داشت ولی در جریان تکامل خود در عهد منصور خلیفه عباسی صورت قیام مسلح گرفت. چنانچه در کوفه زندانها بشکستند آهنگ کشتن منصور کردند که اوبسیاری از آنان را کشته بود دکتر حسن ابراهیم حسن در کتاب تاریخ سیاسی اسلام درباره این فرقه چنین میگوید: منصور، راوندیان را دشمنان دولت خویش میدانست که میبایست که ایشان پیروان ابوسلم دشمن درین وی بودند و هدفشان این بود که خلافت را بسلطنت خسروی مبدل کنند و هم ایشان را زندیق و خارج دین میسود که میخواستند یکی از دینهای قدیم چون زرتشتی گری یا مانوی یا مزدکی را زنده کنند و با آنها همان معامله کرد که با ابوسلم کرده بود و بدینتر وجهی کشتارشان کرد اما نتوانست ریشه آنها را نابود کند و بصورتهای مختلف آشکار شدند و شورشی متع خراسانی و بلک و امثال آنها پدید آوردند.

قیام هاشم بن حکیم و سید جامگان: در سال ۱۵۹ هجری هاشم بن حکیم (المتعین یا نقابدار خراسان) در خراسان و ماوراءالنهر علیه اشغالگران قیام کرد عقاید او از افکار راوندیه که نوعی شیعیگری بود سرچشمه میگرفت ولی از نظر اجتماعی محتوی آن مبارزه ضد خلفای عباسی و متضمن قسمتی از افکار مزدکی بود توده های کثیر دهقانی بدو پیوستند و مسلحانه علیه حکام عرب بجنگ پرداختند و مدتها طول کشید تا خلفا با اعزام مکرر سپاه درسال ۱۶۹ هـ توانستند این جنبش را سرکوب کنند ولی پیروان المتعین که دشمنان سرسخت حکومت عرب بودند روزگاری دراز در ولایت کش و نشیب و پاره ای از ایدر های بخارا باقی ماندند. قیام متع قیامی بنام معنی ملی و ضد عربی بود که ضرورتاً مملکتی بسطه خلفا در شرق ایران وارد کرد و یکی از عوامل مقدماتی مهم پایان یافتن حکومت خارجی در این منطقه و رشد قیامهای دیگر در سایر مناطق ایران است.

قیام بلک خزمدین و سرخ جامگان: قیام بلک بنسال ۲۰۱ هـ از شهر اردبیل در آذربایجان آغاز شد و تبدیل بیک نهضت وسیع خلقی ضد عرب گردید. تعلیمات بلک دنباله تعلیمات راوندیه و المتعین است و شامل بسیاری از عقاید اجتماعی مزدک میباشد. جنبش بلک مدت بیست سال پیروزمندان ادامه داشت بلک در چندین جنگ بهترین فرماندهان خلفای عباسی را که با سپاه گران بسرو کوبش آمدند شکست داد و منطقه وسیعی را که به بلاد بلک معروف شده بود آزاد کرد. جنگهای خرم دینان با بزرگترین نیروی نظامی آن زمان یعنی نیروی خلافت اسلامی بر از شجاعت و جلاقت و حسن تدبیر است قسمتی از اقدامات نظامی آنها را میتوان با جنگهای پارسیزانی امروز مقایسه نمود پس از بیستسال خلفای عباسی تمام نیروی خود را جمع آوری

آمد. مزدک یکی از چهره های شگرف تاریخی ماست که افکار اجتماعی حوی هسته های کمونیستی و لبریز از احساسات بشر دوستانه است او نیز مانند مانی بدوگانگی معتقد است و جهان را مرکب از دو عنصر نور و ظلمت میدانند که دائماً در نبرد هستند ولی بر خلاف مانی، مزدک در این نبرد همواره پیشرفت و سیر در جهت پیروزی نهایی را نصیب روشنایی میداند مزدک میگوید وظیفه انسانها کمک به نور در نبرد ضد ظلمت است. مزدک کینه و جنگ را باعث تاریخ شدن سعادت زندگی و بدبختی و فقر و پریشانی توده ها را زاده تاریکی میسورد و بر آنست که برای دفع آنها باید نابرابری انسانها در استفاده از نعمات مادی را که ریشه مفاسد است از بین برد. اساس نابرابری انسانها این است که زورمندان از اشراف و چه پیشروان دینی اموال اجتماعی را تصاحب کرده و دهقانان و زحمتکش را از استفاده آنها محروم نموده اند. مزدک برابری در مالکیت را عالی ترین شکل عدالت میداند. گرچه جنبش مزدکیان در دوران خسرو انوشیروان با قتل عام بیرحمانه صد ها هزار تن دهقان و مردم شهری پایان یافت ولی این تاثیر را بخشید که انوشیروان ناچار شد به اصلاحاتی ضد فئودالها و اشراف و نظام مذهبی حاکم دست زند. به علاوه افکار مزدک اثرات عمیق خود را تا مدتی طولانی در تاریخ کشور ما حتی پس از سطره اسلام بخشید.

جنبشهای اجتماعی و انقلابی بعد از اسلام

اسلام در آغاز توده های زحمتکش مردم شهر و ده را به برادری و مساوات و عدالت نوید میداد و بدینطریق تخم امیدوی در دل توده های رنجبر میکاشت اما پس از تسلط حکومت اسلامی و بویژه در دوران خلافت امویان و عباسیان مملوک گردید که زمامداران اسلامی نه چنین اند. قبل از اسلام توده های دهقانی و زحمتکش شهری زیر فشار فئودالها و اشراف و برده داران بودند ولی بعد از اسلام استعمار و ستم اشراف عرب و امرا و حکام خلفا نیز بر آب اضافه شد فقط قشر جدیدی از فئودالها و اشراف و برده داران جایگزین قشر قدیمی قبل از اسلام گردید. فشار دوگانه مهاجمان خارجی و استعمارگران داخلی و فقر و مباحث تزاری اشغالگران عرب که ملل دیگر را پست و اجنبی یعنی گنگ می نامیدند موجب جنبش های گوناگونی سیاسی و فکری گردید که ذیلاً پاره ای از آنها اشاره میشود.

قیام ابو مسلم و سپاه جامگان

خراسان بعلمت دوری از مرکز خلافت مهد جنبشهای ضد عرب بشمار میرود یکی از جنبشهای بزرگ این سامان جنبشی است که بنام قیام ابو مسلم خراسانی بسال ۱۲۸ هجری معروف گردیده است در این قیام توده های بزرگ دهقانی و زحمتکش شهر بها خاستند تا به تسلط حکومت خلفای اموی پایان بخشند ابوسلم با دادن شعار های ضد اموی و آزادی خراسان از جور و ستم عمال آنها توده های عظیم زحمتکش را بدور خود گرد آورد و علامت عباسیان را که پرچم سپاه بود بصورت لباس سپاه نمودار مبارزه ضد امویان قرارداد ابوحنیفه دیوری این جنبش را چنین توصیف میکند: مردم از هر سوی از هرات و جوشنک و سرورود و طالقان و مرو و ابیورد و طوس و سرخس و باخ و چغانیان و بخاریستان و کش و سب و به اوبوسلم روی کردند همگی جمله سپاه داشتند و یک نیمه چوپها را که با خود داشتند و آنرا (کافر کوب) نامیدند سپاه کرده بودند... و شمار آنان قریب یکصد هزار بود ابوسلم بکمک توده های ستمکش و با استفاده از تضاد امویان و عباسیان در خراسان بقدرت رسید ولی دوری او از توده های مردم و همکاری او با دربار خانانی عباسی که منجر بقتل ناجوانمردانه اش بدست منصور خلیفه گردید مانع از آن شد که بحکومت اعراب

و بدستباری افشین سردار ایرانی در دربار خلفا نهضت خرم دینان را سرکوب و بابلک را که در شجاعت و چالاکای بی نظیر بود از راه مکر و فریب گرفتار و نابود کردند (سال ۲۲۲ هـ). برای اولین بار پرچم سرخ را طرفداران بابلک در گرگان و طبرستان بعنوان پرچم انقلابی ضد عرب بکار بردند و جامه سرخ را بعنوان نمودار قیام، جامه پیروان خود قرار دادند قیام خرم دینان سرکوب شد ولی جنبش ضد اشغالگران عرب ادامه یافت.

قیام مازیار - مازیار بن قارن یکی از اسبهدان طبرستان پیشوای فرقه ای از خرمنیان بود که بنفع کشاورزان املاک را از فئودالها گرفته و بدانها واگذار کرد. درسال ۲۲۴ علیه حکومت خلفای عباسی قیام نمود و پس از چندی گرفتار و در سامره مقبول گردید و در همین سال افشین که در سرکوبی خرم دینان و مرگ بابلک خدمت بزرگی بخلفای عباسی کرده بود در زمان معتصم خلیفه عباسی زندانی و سپس مقول گردید (سال ۲۲۶ هـ). مازیار با بابلک خرم دین در ارتباط بود و افشین نیز پنهانی با آنها برای آزادی ایران قول و قرار گذاشت ولی در جنگ با بابلک بخلیفه باری داد.

قیامها و جنبش های فوق همه دارای خصالت ملی و ضد تسلط خارجی بر ایران بوده است. یکی از علل مهم ناکامی آنها این بود که پس از نفوذ اسلام در بین مردم از لحاظ فکری سلاحی که قیام کند بکار میبردند کینه و رنگ زده و بز اساس عقاید و افکار دوران ساسانی و احیای نظامات کهن بود که

فرنها بر روی آنها گذشته و متناسب با شرایط زمان نبود. هیران این جنبش ها با هسته های مترقی افکاری چون افکار مزدک توده مردم را بحرکت میآوردند ولی همیشگی قدرتی میبایستند رویه اشرافی زمان ساسانیان را انتخاب مینمودند و بدینطریق از توده ها جدا میشدند اما بهر صورت در مجموع خود زمینه را برای آزاد کردن ایران از قید حکومت عرب فراهم کردند تا آنکه طاهریان و صفاریان و سامانیان با اجرای سیاست دیگری بشدریج حکومت های مستقل ایرانی را تشکیل دادند. در کنار جنبش های فوق جنبش های دیگری بوقوع پیوسته که از لحاظ ظاهر بسر اساس قبول دین اسلام مبتنی است ولی در واقع مظهر ناراضی توده های مردم و قیام ملل مغلوب در ممالک اسلامی از جمله سر سر زمین ایران ضد حکومت عرب است. موقعی که خلفای اموی بر سرکار بودند کسانی مانند ابوسلم خراسانی بمخالفات آنها یعنی عباسیان پیوستند تا آنکه حکومت اموی را بر انداختند همیشه که عباسیان بحکومت رسیدند گروهی با شیعیان که مخالف حکومت عباسیان بود از راه شدند و دسته ای بخوارج که آنها نیز مخالف حکومت عباسی بودند پیوستند بعضی هم سعی کردند که با هر دو گروه رابطه برقرار کنند. در تمام این جنبش ها ناراضی توده های مردم پایه و اساس بوده که باید بهبود زندگی مادی خود برهبران قیام پیوسته اند.

قیام زنگیان یا قیام آل الزنج - در ماه شوال ۲۵۵ ق. هـ (۸۶۹) میلادی آغاز شد و قریب ۱۵ سال ضد خلفای عباسی دوام یافت. هسته اصلی این قیام را بردگان که در دوران خلفا بقشر وسیعی تبدیل شده بودند تشکیل میداد. زنجیر این قیام که نست کنی از قیام معروف اسپارتا کوس ندارد علی بت محمد بن عبدالرحیم است خانواده او از طرفداران آل علی بودند که درطالقان سکونت داشتند و بنابراین ایرانی هستند. علی با دادن شعار آزادی بردگان جنبش زنگیان را بوجود آورد و در منطقه بصره مقام گرفت بردگان از هر طرف بر او گرد آمدند و چنان این جنبش نیرومند شد که معروفترین سرداران عرب مکرر از بردگان انقلابی شکست خوردند و صاحب الزنج در مدت پانزده سال بر نواحی دیگری مانند آبادان، اهواز، شوش، سست میشان و جیحی و کندیشاپور دست یافت و عقابیت خلیفه عباسی الموفق، موقوف بسرکوب آنان شد. یکی از علل شکست آنان تغییر رویه ای بود که پس از فتوحات اولی و بدست آوردن غنایم و ثروت بدان دچار شدند شیوه خلیفه کبری و غلام داری و گرد آوردن مال بین آنان رواج یافت و موجب ضعف آنها شد.

بعلمت تراکم مطالب بقیه این مقاله در شماره آینده درج خواهد شد.

آینده درج خواهد شد.

کذگره نهم حزب کمونیست بلغارستان

مهمانان این جلسه بود. رفیق عبد الصمد کامبخش رئیس هیئت نمایندگی حزب توده ایران در نظانی که ایراد کرد پس از تبریک و تشکر از دعوت برای شرکت در این جلسه و پس از ذکر کامیابی های بزرگ بلغارستان در ساختمان سوسیالیسم در کشور خود اظهار داشت:

«مقام ولایتیکه حزب کمونیست بلغارستان به دست آورده است تنها در بکار بردن خلاق مارکسیسم - لنینیسم در سیاست داخلی نیست. حزب شما در مقیاس جنبش بین المللی کمونیستی نیز همواره پرچم مارکسیسم - لنینیسم را برافراشته داشته است. در همه مسائل سیاست بین المللی حزب کمونیست بلغارستان تلفیق درست مین پرستی ژرف و انترناسیونالیسم بیدریغ پرولتری را نمونه وار نشان داده است. حزب ما بنوبه خود همواره این خصیصه را بویژه هنگام کارزار برای نجات جان رفقای محکوم بمرگت ما خامواری و حکم جو از نزدیک احساس کرده است. اجازه بدهید از تربیون این کنگره تشکرات صمیمانه حزب خود را از این ابراز همدردی تقدیم داریم. اظهارات رفیق ژویوگف در باره آمادگی شما برای کمک همه جانبه بمبارزه مقدس خلق قهرمان ویتنام علیه تجاوز امپریالیسم امریکا حاکی از همین انترناسیونالیسم عمیق حزب شماست. کمک بسزائی که کشور بزرگ اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی بخلاق ویتنام میکنند در حقیقت کمکی است به همه خلفهای ستمدیده ای که در راه آزادی خود میروند زیرا مبارزه خلفهای ستمکش مبارزه ای است واحد و تفکیک ناپذیر.

بویژه از این نظر است که موضع اتخاذ شده از جانب رهبری حزب کمونیست چین، حتی در مسئله وحدت عمل در کمک بخلاق ویتنام موجبات تعجب و شگفتی ما را فراهم میکند. از هر سوئی این موضع مورد بررسی قرار گیرد علت تیره که کنش برای آن نمیتوان یافت. از نظر عینی این امری است که آب بر آسیاب امپریالیسم به زبان جنبشهای آزادیبخش ملی میریزد. ما سیاست رهبری حزب کمونیست چین را که بیپسوجه علیه امپریالیسم امریکا متوجه نبوده بلکه تماماً متوجه اتحاد شوروی و حزب کمونیست آن و دیگر کشورهای سوسیالیستی است شدیداً محکوم میکنیم. آنچه که امروز در چین زیر پرچم «انقلاب فرهنگی» انجام میگردد شگفت انگیز است. ایران ما از جمله کشورهای دارای کهن ترین و غنی ترین فرهنگهاست. عده کثیری از متفکرین، نویسندگان و شعراء بزرگ که نماینده افکار مترقی زمان خود بوده اند زینت بخش تاریخ فرهنگ ما هستند. آثار آنان گنجینه ما را تشکیل میدهد. موجب غرور ملی ماست و هیچگونه انقلاب فرهنگی از نوع آنچه که در چین جریان دارد نمیتواند ما را از این گنجینه جدا سازد.

ما با نظر حزب شما در مورد دعوت جلسه مشاوره احزاب کمونیستی و کارگری کاملاً موافقیم. قلاً هم در این زمینه اظهار نظر کرده ایم. بنظر ما موقع اکنون برای این اقدام فرارسیده است. در مورد تحولات رژیمی که در ایران پس از کودتای ۱۹۵۳ شاه زاهدی برقرار شد ناطق گفت: «رژیم کوبی ایران تحت فشار نیروهای اپوزیسیون که عده ترین آنها را حزب توده ایران

یادی از ۲۱ آذر و جنبش دموکراتیک مردم آذربایجان

آذربایجان تکیه گاهی برای پیروزی دموکراسی در سراسر ایران باشد. علت آنکه علاوه بر حزب توده ایران احزاب و نیروها و رجال ملی و مترقی و از انجمله حزب ایران و آقای دکتر مصدق از جنبش مردم آذربایجان حمایت کردند در همین امر است. حزب ما هرگز با تمایلاتی که منافی تمامیت و استقلال کشور است بهر شکلی که باشد سر موافقت ندارد و با اطلاعین باین حقیقت که مردم آذربایجان در تیم و اقدام عادلانه خود جز این نمی خواهند به پشتیبانی آنان برخاست و این پشتیبانی را که ما کن و در تمام شرایط دشوار هجوم و اتهام از جانب ارتجاع ادامه داد.

شاه و ارتجاع ایران پس از آنکه جنبش آذربایجان را قانونی شناختند پیمان شکنانه بر آن ضربت زدند. دههاتن از بهترین فرزندان دلیر فرقه دموکرات آذربایجان و مردم آذربایجان و سی و سه تن از شریف ترین افسران ارتش ایران که بخاطر سعادت وطن باطن جنبش پیوسته بودند در محاکم نظامی محکوم باعدام شده و بشهادت رسیدند. هزار هاتن دیگر از زحمتمکش آذربایجان بدون محاکمه در کوچه و خیابان و در روستاها بقتل رسیدند.

اکنون ۲۱ سال از این تاریخ میگذرد ولی هنوز خاطره درخشان این شهیدان در ضمیر مردم آذربایجان زنده است. رژیم شاه طی این ۲۱ سال گمراهی در راه حل خواستهای حق مردم آذربایجان بر نداشت. کوچک عظیم جمعی مردم آذربایجان به تظاوت دیگر نشانه آن است که این خطه زین در اثر سیاست رژیم هنوز قادر نیست حتی نان روزانه مردم خود را تامین کند. شمله جنبش در خاک آذربایجان هم فرو نخت. مبارزه و شهادت پنج تن از فرزندان دلاور آذربایجان ایوب کلانتری، زهتاب، جهانبانی، عظیم زاده و جواد فروغی سالهای پس از سرکوب جنبش دموکراتیک آذربایجان خود نشانه آنست که روح پیکر جوئی مردم آذربایجان بیدار و فعال است. منافع مردم و زحمتمکش آذربایجان جدا از منافع مردم و زحمتمکش سراسر ایران نیست. بر اساس این واقعیت است که حزب توده ایران و فرقه دموکرات آذربایجان وحدت رهبری و سازمانی حزب طبقه کارگر را تحقق بخشیدند و اکنون فرقه دموکرات آذربایجان جزئی از حزب واحد طبقه کارگر ایران - حزب توده ایران است. مردم ایران براهمنای این حزب در راه نیل به هدفهای تاکتیک و استراتژیک جنبش رهایی بخش ایران در مرحله انقلاب ملی و دموکراتیک مبارزه می کنند. تودیدی نیست که جنبش مردم آذربایجان همراه دیگر خلفهای ایران در راه احقاق حقوق میهنی، طبقاتی و ملی خود سرانجام به پیروزی خواهد رسید.

تشکیل میدهد از برخی مواضع خود عقب نشینی کرده و به پاره ای رفوزها دست زده است. مسافرت شاه بکشورهای سوسیالیستی یکی از عقب نشینی هاست. باید متذکر شوم که حزب ما از روز اول تشکیل خود لزوم برقراری مناسبات دوستانه با اتحاد شوروی را که در آن هنگام یگانه کشور سوسیالیستی بود یکی از مواد اصول برنامه خود قرار داد. بدیهی است که این نظر اکنون باید بکشورهای دیگر سوسیالیستی نیز بسط داده شود. اینگونه مناسبات منطبق با مصالح مردم ما خواه در حال حاضر و خواه در آینده است. ولی این بدان معنی نیست که در مبارزه ما برای آزادی

زنان و مادران! جنبش هواداران تغییر قانون مدنی را تقویت کنید و آنرا به پیروزی برسانید!

ملی ایران حقوق زنان تحکیم خواهد شد و در حقیقت با این جمله مخالفت خود را با طرح ۱۷ سناتور بیان داشت. نغمه های مخالف دربار و دولت و مجلس نشان داد دربار که خود را «منجی» زنان معرفی میکند تحمل «رقیب» رهبری زنان را ندارد و این نکته بخصوص در نطق هویدا که در مجلس، متکرر طرح را «حریص برای رهبری نهضت زنان» معرفی نموده است آشکارا بچشم می خورد. دربار با این طرح و آن قطعنامه مخالف است از آن نظر که اصولاً معتقد به تجدید نظر همه جانبه و عمیق در قانون مدنی نیست و ثانیاً مایل است ابتکار عمل در دست او باشد و بر این اساس اکنون که ناگزیر از قبول تغییراتی در وضع حقوقی زنان شده است میخواهد ضمن جلب رضایت عناصر عقب مانده روحانیت، با یکی دو گام عقب نشینی، هم جنبش هواداران تغییر قانون مدنی را خاموش کند و هم همین اقدام سطحی و ناقص را جارچیان درباری در قالب اقدام انقلابی!! ملوکانه جا بزنند و زنان را بزور جنجال تبلیغاتی شکر گزار شاه و اشرف معرفی نمایند و این بازی چندپهلور از زیر سرپوش رعایت «تعالیم اسلامی» و حفظ «آداب و سنن ملی ایران» پنهان میکنند. اما این اولین بار نیست که ارتجاع ایران خود را پشت سپر مذهب و سنن ملی پنهان کرده است. در سر زمینی که ما در آن زندگی میکنیم پیوسته مذهب سیر ارتجاع بوده است. در همین سالهای اخیر، نخستین مخالفتها با تجدید مالکیت بزرگ که جبر زمان تحمیل کرده بود در لباس «مخالفت با مذهب» انجام شد. نباید فراموش کرد که اسلام در دوران خود در راه بهبود وضع زنان عرب گامهایی بجلو برداشت. آنچه که امروز مخالفین طرح «سنن ملی» مینامند چیزی نیست جز مقررات ارتجاعی که از هزاران سال پیش زنچیر دست و پای زن بوده است.

عجیب است که مخالفین طرح آنرا باعث «تزلزل بنیان خانواده» نامیده اند. در عرف این مخالفین گویا ایجاد حرمسرا و واگذاری طلاق بهوس مرد، نکاح منقطع، ازدواج دختر ۱۵ ساله با مرد ۶۰ - ۷۰ ساله و بی حقی زن نسبت به خانه و زندگی و فرزندان موجب «استحکام» خانواده است.

خلق ما و آرمانهای وی در مبارزه علیه امپریالیسم و رژیم موجود و در راه استرداد کامیابیهای از دست رفته خلقهای کشور ما تخفیف حاصل خواهد شد. حزب ما بمصالح مردم کشور خود و بمصالح جنبش کمونیستی و کارگری و جنبشهای آزادی بخش ملل ستمدیده وفادار است و در این راه پرچم مبارکسیسم - لنینیسم را رهنمای دائمی خود میداند.

اما حذف تعدد زوجات، ارجاع طلاق بمرجع قانونی، منع نکاح منقطع، رعایت تناسب سن در ازدواج و حقوق برابر زن نسبت به سرپرستی و تربیت فرزندانش و قانون خانواده گمی اش باعث «تزلزل» خانواده!! روزگاری طرفداران نظام بردگی هم برای ابقاء تسلط وحشیانه خود بر بردگان چنین استدلال میکردند. آنها هم وجود بردگی را برای بقا اجتماع لازم و ضروری میشمرند. سخافت استدلال طرفداران امروزی بردگی زن، کم از سخافت منقطع هواداران آنروزی نظام بردگی نیست. نیروی متحد زنان باید مواضع ارتجاع را و نیروهای مترقی، درهم سکوبند این نیروی مردم است که میتواند سرنوشت نبرد را تعیین کند و در نبردی که بین هواداران تغییر قانون مدنی و ارتجاع در گرفته است، مبارزه متحد زنان میتواند در این میان نقش قاطع ایفاء نماید. ما از همه زنان دعوت میکنیم که با هر وسیله ای که در اختیار دارند، جنبش هواداران تغییر قانون مدنی را تقویت کنند، با شرکت فعال در سازمانهای موجود زنان، این سازمانها را به جانبداری عملی از تغییر قانون مدنی و گوشش مجدانه در این راه وادارند. قشرهای ارتجاعی تر این سازمانها را منفرد سازند و از تضاد بین گروههای مختلف رهبری این سازمانها استفاده نموده آنها را بجانب دفاع جدی از حقوق زنان سوق دهند. با شرکت در اقترح مجلات و روزنامه هائی که طرفدار تغییر قوانین ازدواج و طلاق هستند نظر تأییدی و تکلیلی خود را ابراز دارند و صدای موافقین را تقویت کنند. با ارسال مقالات به مطبوعات، تغییر این قانون ارتجاعی را خواستار شوند. با مراجعه فردی یا جمعی به مراجع دولتی و قانونگزاری، رجال و شخصیتها تجدید نظر در قانون مدنی را مصرا نه طلب کنند، سازمان ملل متحد اخیراً بمناسبت هفدهمین سال صدور اعلامیه حقوق بشر کلیه دولتها را برعایت دقیق تر موازین حقوق بشری دعوت نموده است، اکنون بجاست که با ارسال نامه و تلگراف به کمیسیون حقوق بشر و کمیسیون حقوق زن سازمان ملل متحد و نیز سازمانهای بین المللی زنان و حقوق دانان بخواهند تا دولت ایران را به رعایت کامل حقوق زنان وادار کنند. وظیفه کلیه سازمانها و مطبوعات مترقی در داخل و خارج کشور است که زنان را در این مبارزه یاری رسانند. زنان و مادران! قانون مدنی سند بردگی شماست. با کوشش متحد خود این سند تکین را از هم بدرید!

گرامی باد خاطر شهیدان ۱۶ آذر!

دانشجویان! با الهام از خاطره شهیدان خود متحد شوید و مبارزه در راه احقاق حقوق صنفی و سیاسی خویش را گسترش دهید!

بقیه از صفحه ۱

زنان و مادران! جنبش هواداران تغییر قانون مدنی را تقویت

کنید و آنرا به پیروزی برسانید!

در صورت نبودن هیچ وارث دیگر، شوهر تمام تر که زن متوفای خود را به ارث میرود زن فقط نصیب خود را (ماده ۹۴۹).

یا در بخش مربوط به اقامتگاه گفته میشود « اقامتگاه زن شوهر دار، اقامتگاه شوهر است » (ماده ۱۰۰۵) و بلافاصله در مواد ۱۰۰۶ و ۱۰۰۹ تصریح میگردد که اقامتگاه صغیر و مجبور اقامتگاه ولی و یا قیم آنها و اقامتگاه خدمه، اقامتگاه کارفرما و مخدوم آنان خواهد بود. بروشنی پیداست که قانون مدنی زن را تا حد صغیر و مجبور و خادم مرد تنزل داده، وی را از داشتن اقامتگاه مستقل محروم نموده است.

در کتاب هفتم قانون مدنی، بخش مربوط به نکاح و طلاق با این ماده شروع میشود: « هر زنی را که خالی از موانع نکاح باشد میتوان خواستگاری نمود. (ماده ۱۰۳۴) باید توجه داشت « موانع نکاح » تنها مخصوص زن نیست بلکه مرد نیز باید بهنگام ازدواج خالی از « موانع نکاح » باشد فی المثل اگر داشتن شوهر برای زن از « موانع نکاح » است برای مرد نیز باید داشتن زن از « موانع نکاح » شرده شود همچنانکه اکنون در تمام کشورهای پیشرفته جهان معمول است.

قانون مدنی در حالیکه یک پسر ۱۸ ساله را عاقل و بالغ و رشید میشناسد و به او اجازه میدهد که هر گاه بخواهد بنا به انتخاب خود ازدواج کند، در ماده ۱۰۴۳ تصریح میکند دختری که هنوز شوهر نکرده اگر چه بیش از ۱۸ سال تمام داشته باشد، ازدواج وی متوقف به اجازه پدر یا جد پدری است.

اصطلاح ارتجاعی « زن ناقص العقل است » در اینجا مجرمانه پوشش قانونی یافته و در نظر قانونگذار حتی دختر ۲۵ - ۲۶ ساله هم عاقل و بالغ و رشید تشخیص داده نشده تا بتواند بنا به شواهد خود ازدواج کند.

قانون در حالیکه نکاح مرد مسلمان را با زن غیر مسلمان مجاز میداند در ماده ۱۰۵۶ تصریح میکند: « نکاح مسلمه با غیر مسلم جایز نیست ». در فصل مربوط به حقوق و تکالیف زوجین نسبت یکدیگر ماده ۱۱۰۵ زیاست خانواده را از خصائص شوهر میدانند و از اینجا بخوبی روشن میشود که قانونگذار اصولاً فلسفه ازدواج و تشکیل خانواده را درک نکرده است. از نظر وی ازدواج پیوند داوطلبانه زن و مرد، بر اساس علاقه متقابل، بمنظور ایجاد قانون خانواده نیست بلکه ازدواج عرصه زیاست فروشی مرد است. مرد رئیس است و زن مرئوس، مرد حاکم است و زن محکوم و قانون به پشتیبانی از ریاست

مرد میآید. قانون مدنی زن را وسیله لذت مرد تلقی نموده و تأکید مینماید که: « اگر زن از ادای « وظایف زوجیت » امتناع کند مستحق « نفقه » نخواهد بود. اصولاً بکار بردن اصطلاح « نفقه و کسوه » در مورد زن که بحق باید شریک اموال و ثروت خانواده باشد زشت و موهن است و زشت تر و موهن تر آنکه پرداخت نفقه و کسوه در برابر ادای « وظایف زوجیت » باشد. مفهوم این ماده آنست که زن در برابر فروش جسم خود به شوهر « نفقه » دریافت میکند و این توهین آشکار است بمقام زن. قانون مدنی زن را حتی برای انتخاب مسکن خود نیز صالح ندانسته و این انتخاب را در صلاحیت مرد قرار داده است. ماده ۱۱۱۴ میگوید: « زن باید در منزلی که شوهر تعیین میکند سکنی نماید حال اگر از هر اطاق این منزلی که « شوهر تعیین میکند » سرو کله یک « هوو »

پدیدار شود و صحن آن صحنه برخورد و زد و خورد این رقیبان مسلوب الحقوق باشد مهم نیست زن مجبور است بنا بر اصل « تمکین از اراده شوهر » در چنین جهنم سوزانی زندگی کند. « شوهر میتواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافعی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد منع کند » (ماده ۱۱۱۷) مفهوم صریح این ماده آنست که مرد میتواند اگر بخواهد از کار زن در خارج از خانه بعنوان معلم، دبیر، کارمند، کارگر و یا هر شغل دیگر به بهانه مغایر بودن با « مصالح خانوادگی و حیثیات » خود جلو گیری کند اما زن که از نظر قانونگذار گویا موجودی است « فاقد حیثیت » حق ندارد به حرفه شوهر ولو دایر کردن خانه فساد و قمار خانه هم باشد اعتراض نماید. قانون در این مورد به زن کمترین حق نمیدهد.

پوسیدگی افکار و واضعین قانون مدنی، هنگامی به اوج میرسد که برد حق میدهند هر وقت بخواهد زن خود را طلاق دهد، بوی حق میدهند زنان متعدد داشته باشد. شاعت این مواد و مفاسدی که از آن برمیخیزد، بر احدی پوشیده نیست و حاجت به تفسیر و توضیح ندارد. ننگین ترین بخش قانون مدنی، بخشی است که در باره نکاح منقطع بحث میکند. « نکاح منقطع » یعنی « فحشاء قانونی ». ننگ است که به مرد اجازه داده شود از فقر، آوارگی، بی سر و سامانی زن سوء استفاده نموده در برابر پرداخت چند تومان، عواطف و احساسات وی را بازی گیرد و پس از تمتع از او، او را از خود براند. « نکاح منقطع » که شکل قانونی

شهوترانی مرد است ننگ قوانین ما است. بخشهای مربوط به « حضانت »، « ولایت » و « قیمومت » هر يك بنوبه خود انباشته از موادی به زیان زن و هواداری از مرد است. ماده ۱۰۲۹ در مورد غائب مفقودالثر که زن را تا چهار سال از ازدواج مجدد منع میکند دارای هیچ توجیه منطقی نیست. تسامح واضعین قانون به تصریح در باره تناسب سن زوجین، موجب ازدواجهای بی تناسبی شده است که آنها را باید ازدواج فقر و ثروت نامید. بدین ترتیب دیده میشود که قانون مدنی در بخشهای مربوط به حقوق زن و مرد، جزء بجزء ناقص قانون اساسی و حاکی از عدم توجه واضعین آن بحقوق زن بعنوان عضو مساوی الحقوق خانواده و جامعه است و چون با قانون اساسی در تعارض است. در حقیقت امر، اعتبار قانونی ندارد.

حزب ما نخستین و پیگیر ترین مدافع تساوی حقوق زوجین ایران قدم به عرصه وجود نهاد، با توجه به ظالمانه بودن قانون مدنی، در برنامه خویش « تساوی حقوق زوجین و تجدید نظر در قوانین زناشویی و طلاق » را تصریح نمود. هنگامیکه حزب

توده ایران مسئله تجدید نظر در قوانین ازدواج و طلاق یعنی تجدید نظر در قانون مدنی را عنوان کرد با استقبال پر شور زنان روبرو گردید. تشکیلات دموکراتیک زنان برهبری حزب توده ایران بزودی بر مرکز تجمع و تشکل زنان مبارزی تبدیل شد که حاضر باسارت نبودند. از آن زمان تاکنون حزب توده ایران، سازمانهای علنی و مخفی وابسته بان و مطبوعات حزب در هر فرصت از حقوق زن بعنوان انسان مساوی الحقوق دفاع نموده و لزوم تغییر قوانین ارتجاعی را در این زمینه خواستار شده اند، خوشبختانه مبارزه حزب ما در این راه بی ثمر نمانده و امروز کسانی که معتقد به تحول جدی و اساسی در وضع حقوقی زنان هستند فراوانند. حزب ما که گامهای نخستین را در راه بیداری توده زنان و جلب آنان به مبارزه برداشت توانست این تحول فکری را بان درجه از وسعت و حدت برساند که امروز بهانه نیروی در صحنه اجتماع عرض وجود کند و خواستار تغییر بی چون و چرای قوانین ارتجاعی گردد. فشار این نیرو و تأثیر شرایط جهانی است که در مورد زنان مجبور کرده است. اجبار رژیم به تغییر قانون انتخابات و تأمین حق انتخاب کردن و انتخاب شدن برای زنان یک پیروزی و جنبش هواداران تغییر قانون مدنی که روز بروز در میان قشرهای مختلف زنان و مردان طرفداران بیشتری پیدا میکند طبعه پیروزی دیگر است.

ارتجاع از مواضع خود دفاع میکند

زنان عضو حزب ایران نوین در تاریخ ۲۳ مهر امسال سمیناری بمنظور بررسی وضع حقوقی زنان تشکیل دادند. نتیجه این بررسی که باید گفت بصورت جامع هم انجام گرفته است بصورت قطعنامه ای به حزب ایران نوین ارائه شد تا حزب برای اجرای مفاد آن از طریق کمیسیون پارلمانی اقدام نماید. جالب توجه است در روزهاییکه سمینار زنان بکار خود سرگرم بود، سازمان زنان ایران به ریاست اشرف ضامن انتشار آگهی کوتاهی در جراید تهران، از انتساب این سمینار به سازمان زنان تبری جست و در حقیقت عدم علاقه خود را بتشکیل این سمینار نشان داد. ظاهر آ همین آگهی چند شری کار خود را کرد و کمیسیون پارلمانی حزب لاقفل تا این تاریخ هیچ گام عملی در راه اجرای توصیه های سمینار برنداشته و آنرا بفراموشی سپرده است.

اخیراً نیز طرحی به ابتکار سناتور دکتر مهرانگیز منوچهریان و باضاض ۱۷ سناتور تحت عنوان « حقوق زن و مرد » تهیه و بدولت ارائه شد که تظاهر منطقی خواست زنان برای تغییر قانون مدنی است. این طرح نیز که باید قطعاً مورد حمایت و پشتیبانی کلیه افراد، سازمان ها و مطبوعات ملی و مترقی قرار گیرد، با عکس العمل و مقاومت شدید ارتجاع در برابر، دولت، مجلس برخورد نمود. هویدا نخست وزیر از سرکردگان حزب ایران نوین که قاعدتاً باید مدافع قطعنامه گفته باشد و خود پیشقدم در اجرای آن شود حتی با این طرح که شعاع عمل محدودتری داشت به ضدیت برخاست و آنرا مخالف با « آداب و سنن و رسوم » و مغایر با « مقتضیات ملی » دانست و بجای آنکه بعقب ماندگی افکار خود تأسّف بخورد، بحال تهیه کنندگان طرح تأسّف خورد. وی بی نام و نشان، به مبتکر طرح حمله برده و وی را « تجدید طلب کاذب » خواند. بانو شوکت جهانیانی نماینده منتخب دربار که زنان از وجود او و امثال او در مجلس شرم دارند پس از تریک تملق آمیز خود بمناسبت تولد شاه، یادآور شد که: « این طرح از حمایت ما زنان مسلمان بهره مند نخواهد گردید » تأسّف انگیز است که سایر زنان نماینده نیز بجای آنکه بوظیفه خود عمل نموده و دفاع از طرح را که تأمین کننده بخش مهمی از حقوق زنان است برعهده گیرند، احسنت احسنت گویان به تأیید نخست وزیر پرداختند!! نطق بانو جهانیانی و هویدا در مجلس نشانه آشکاری از مخالفت دربار با این طرح بود. شاه خود نیز در مراسم سلام چهارم آنان در صنف زنان نماینده وعده داد که: « در آینده مطابق سنن